

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یادداشت:

به دنبال نشر لیست به اصطلاح کاندید های انتخابات در "ولسی جرگه" و با مشاهده نام های تنی چند از آنانیکه ادعای سابقه مبارزاتی می کردند، یک تن از گزارشگران پورتال ابتکار به خرچ داده، ضمن طرح یک سؤال مختصر خواست نظر آنانی را در زمینه جویا شود که سابقه مبارزاتی داشته موضعگیری شان در قبال همچو مسایلی می تواند خط فکری طیف وسیعی از هواداران و متعلقین جنبش چپ را در جهت درستی متاثر سازد. به همین سلسله، از نخستین کسی که پرسش به عمل آورده ایم، آقای "ش. آهنگر" است که در ذیل پرسش ما و پاسخ ایشان را تقدیم می داریم:

اداره پورتال AA-AA

فرد دوم: یکی از شخصیت های طراز اول جنبش ملی دموکراتیک
فرد سوم: مبارز نستوه آقای داکتر میر عبدالرحیم عزیز یک تن از متصدیان پورتال
فرد چهارم: داوود فیضی یک تن از فعالان جنبش انقلابی کشور
فرد پنجم: هیوادوال کابلی یک تن از مبارزان آگاه و اندیشمند جنبش انقلابی و همکار قلمی پورتال
فرد ششم: انسان آگاه و وطنخواه شاذ دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی یک تن از متصدیان پورتال
فرد هفتم: احمد برومند یکی از فرزندان رنج و مبارزه و پاسدار خون شهدای به خون خفته جنبش انقلابی
سؤال:

در این روزها با اعلام نام نویسی کاندیداهای انتخابات پارلمانی تب وکیل شدن با لا گرفته و عده زیادی، من جمله تنی چند از روشنفکرانی که سابق دم از مبارزه میزدند، نامها و عکسهای شانرا در لیست کاندیدا ها به نمایش گذاشته اند. میخواهم نظر شما را در مورد انتخابات و به ویژه، در شرایط حاکم در افغانستان داشته باشیم.

**انتخابات پارلمان پوشالی نیرنگ امپریالیسم اشغالگر است
و سهم گیری در آن مستوجب محکومیت تاریخی!**

احمد برومند – کابل، افغانستان

هشتم جوزای ۱۳۸۹

واژه انتخابات از دیرباز بدینسو در فرهنگ سیاسی به معنی مراجعه به آرای مردم یک کشور جهت انتخاب و برگزیدن اولیای امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... افاده شده است. پارلمان انتخابی ظاهراً به عنوان تمثیل کننده اراده مردم یک کشور آزاد رکن اساسی دموکراسی لیبرال را میسازد. اما در کشور اشغال شده و مستعمره ما که در مورد امور و مقدرات آن

امپریالیسم اشغالگر به پشتوانه سرمایه و ماشین جنگی خود حرف آخر را می زند، مفاهیم فریبنده و اغواگر انتخابات و پارلمان نه به حیث ممثل اراده مردم افغانستان، بلکه به عنوان ابزار و نهاد تمثیل کننده اراده استعماری، مطرح است. پس در چنین حالتی، پارلمان نه "خانه مردم"، بلکه عکس آن لانه جاسوسی و وطنفروشی است.

در کشور اسیر ما در تحت سلطه مستقیم و خونین اشغالگران، در زیر سرنیزه سپاه وحشی اشغالگر و در تحت سیطره وحشیانه خیل انبوه جنگسالاران، جنایت کاران و قدرت های مافیائی همرة استعمار در گستره کشور، آیا هر نوع انتخاباتی میتواند "آزاد، مستقیم، سری، همگانی و دموکراتیک" باشد و به طور نسبی اراده آزاد مردم را تمثیل کند؟؟؟ مسلم است که نمیتواند چنین باشد!!!

پارلمان پوشالی اداره مستعمراتی در شرایط اشغال کشور محبوب ما وظایف آتی را به عهده دارد:

الف: مولود استعمار امپریالیستی بوده، منحیث یکی از سه رکن اساسی دولت پوشالی در خدمت مستقیم سلطه و سیاست استعماری قرار دارد.

ب: در خدمت مشروعیت بخشیدن به تجاوز و اشغال، و زمینه ساز تداوم اشغالگری امپریالیستی است.

ج: روپوشی است جهت استتار چهره کریه و اهداف غارتگرانه امپریالیست های متجاوز و اشغالگر به کشور ما و وسیله تحمیل و اغوای توده های ملیونی مردم ما.

د: به عنوان بخشی از ماشین دولتی، وسیله سیادت طبقاتی فئودال - کمپرادوری همدست امپریالیسم اشغالگر به کشور ماست.

در یک کشور مستعمره، به اساس تضاد عمده بین صف مردم و صف دشمنان آن یعنی استعمار و ایادی آن خط قرمز عبورناپذیر وجود دارد. بر این مبنا نیرو های ملی، دموکرات، انقلابی و قاطبه مردم اگر می خواهند که با حفظ و تداوم اصالت و رسالت خویش علیه تجاوز و اشغالگری امپریالیستی برزمند؛ نمیتوانند آن خط قرمز را عبور کرده و تضاد عمده مردم ما را با دشمن عمده (استعمار و ایادی آن) مغشوش و خدشه دارکنند. اگر نیرو ها و افرادی ازین دست آن خط قرمز را عبور کرده و تضاد عمده مردم ما را با دشمن عمده مغشوش کردند و در صف دشمن خزیدند، دیگر نه ملی اند، نه دموکرات و نه انقلابی و نه جائی در جبهه مردم برای آنها باقیست. مکان اصلی و بایسته آنان در صف دشمن، در جرگه خائنین ملی و در لانه جاسوسی و میهن فروشی است و اینان سزاوار نفرین ابدی و محکومیت تاریخی اند.

نتیجه شرکت افراد و گروه های تسلیم طلب و دمساز با استعمار در پارلمان پوشالی اداره مستعمراتی - چنانچه در هر ارگان دیگر رژیم - صرف نظر از نیت و توجیهات شرکت کنندگان، عبارت است از خدمت به تحکیم و تداوم اشغال امپریالیستی کشور. یعنی خدمت به تحقق اهداف پلید سلطه گرانه و غارتگرانه امپریالیسم در کشور و منطقه.

درست سی سال قبل از امروز، مجید رهبر ارجمند ساما و انقلابیون افغانستان و محبوب قلوب زحمتکشان، در اعدامگاه، زمانیکه جلادان وحشی خادیسث پرچمی و روسی او را به رگبار می بستند، با تمثیل عالی غرور خدشه ناپذیر مردم ما خطاب به قاتلانش خواست حماسی انقلابی را مطرح کرده و در واپسین لحظات عمرش نفرت بی پایان خود را نسبت به دشمنان مردم ابراز داشته و پرچمی های وطنفروش را که در صدد آن بودند تا مجید را یکجا با همکیشان وطنفروش خلقی - امینی شان اعدام و سپس مرگ مجید را همراه آنان اعلام دارند، چنین خوار و زبون ساخته و گفت: " **ما از جنایتکاران و وطنفروشان خلقی امینی دورتر اعدام کنید تا خون پاکم با خون کثیف آنان نیامیزد.**"

وه !!! این است ویژگی انقلابیون بزرگ جامعه ما! اوحاضر نمیشود و نمی پذیرد که **خونش** با خون دشمنان خلق و وطنش با هم درآمیزد، چه رسد به اینکه با چنین دشمنانی همراه و همسفره شود!!!! این است درس بزرگی که مجید به رهروانش داده است. با این وصف، عده ای از عناصر سازشکار، منحرف و تسلیم طلب امروزی گامزن در جاده تسلیم طلبی ملی، که به غلط

سنگ وفاداری به اندیشه‌ی والای انقلابی و راه انقلابی مجید را به سینه می‌کوبیدند، یکجا با قاتلان و جلادان مجید - رهبر، با قاتلان سامانی ها، انقلابیون و مردم افغانستان، چون گلاب زوی، علومی، رنجبر، سیاف، ربانی، قانونی، محقق و... در لانه مشترک جاسوسی و وطنفرشی، نامزد خدمت به استعمارگران و اشغالگران از طریق جرگه‌خائنین ملی میشوند. این ها هیچ مناسبتی و هیچگونه وجه مشترکی با مجید، ساما و انقلابیون افغانستان ندارند. اینان شاخه‌ مرده، به خاک افتیده و پوسیده‌ای از سرو تناور ساما اند که صرف به حیث مواد سوخت به درد استعمار می‌خورند! هیچ انسان با درک و شرافتمندی هم "به سجده رفتگان آرمیده درلجنزار" را رهروان راه خروشان انقلاب و مجید نمیداند و نباید بداند.

زمانیکه "ببرک روباه" در فردای اشغال نظامی کشور ما به وسیله‌ی سوسیال امپریالیسم روس و پس از تاج پوشی در حصار استعمار روسی محبلا نه جبهه‌ی بی وطن "پدر وطن" را اعلام داشت، اسطوره‌ی فرید مقاومت ملی - انقلابی (مجید) در پاسخ ببرک شاید چنین نوشت: **"چاکر میهن فروش روس" جبهه‌ی وسیع پدر وطن " را به پیش می‌کشد. وقتی مقدرات کشور ما دستخوش اشغال نظامی روس باشد، آیا حزب، سازمان، جمعیت و شخصیت وطن پرستی یافت می‌شود که به مثابه " تنگر" با سوگلی برژنف این عجزه‌ی هزار داماد، به حجله‌ی زفاف برود؟ تردیدی در کار نیست. سراسر افغانستان به دژ نظامی تسخیر ناپذیری مبدل می‌شود. ملت افغانستان یکپارچه به پا می‌خیزد و جبهه‌ی فشرده از سد آهنین را می‌سازد. ولی نه با دلال استعمار روس بلکه علیه آن و آنکه برون ازین جبهه بماند نصیبی جز نفرین در انتظار وی نیست."** (شبنامه‌ی ساما به قلم مجید: روس اشغالگر در سراسیمه‌ی رسوائی و تباهی. جدی ۱۳۵۸)

حال وقتی که مقدرات کشور ما دستخوش اشغال نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکاشده است، آیا حزب، سازمان، جمعیت و شخصیت وطن پرستی یافت می‌شود که به مثابه "تنگر" با سوگلی -وش - اوباما (کرزی) و همپالگی هایش، این عجزه‌ی های هزار داماد، به حجله‌ی زفاف برود؟ آنانیکه در جبهه‌ی وطن فروش دلال استعمار و امپریالیسم اشغالگر (ببرک امریکائی) علی رغم این هوشدار پر طنین مجید بروند و علیه سد سدید مردمی قرار گیرند، بی هیچ تردیدی سرنوشتی بهتر از ببرک روباه و همکیشان او نخواهند داشت! تردیدی در کار نیست که دیر یا زود سراسر افغانستان به دژ نظامی تسخیر ناپذیری مبدل می‌شود. ملت افغانستان یکپارچه به پا می‌خیزد و جبهه‌ی فشرده از سد آهنین را می‌سازد. ولی نه با دلال استعمار امپریالیستی، بلکه علیه آن و آنکه برون از این جبهه بماند نصیبی جز نفرین در انتظار وی نیست!

تا نوبتی دیگر.

پرسنده:

ضمن ابراز امتنان خدمت آقای "برومند" که علاقه گرفتند و سؤال ما را با صراحت و کوبندگی "مجید گونه" پاسخ گفتند، امیدواریم به همکاری های شان با پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" که در ضدیت با امپریالیسم و ارتجاع هیچ مرز و محدوده ای را نمی شناسد، ادامه داده، ما را در ایجاد آن سد آهنین و نفوذ ناپذیر یار و مدگار گردند.

اداره پورتال AA-AA